

دو فصلنامه تاریخ ادبیات

دوره ۱۶، شماره ۲، (پیاپی ۸۷/۲) پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقاله علمی - پژوهشی

صفحه ۵ تا ۴۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷

معرفی ابیات نویافته در دست‌نویس رسائل العشاق و وسائل المشتاق

علی عشایری^۱

چکیده

دست‌نویس (نسخه خطی) رسائل العشاق و وسائل المشتاق اثر «سیفی نیشابوری» از متون نثر قرن ششم هجری قمری و قدیمی‌ترین متن برجای مانده در موضوع نامه‌نگاری عاشقانه به زبان فارسی است. این دست‌نویس تک‌نسخه‌ای به دلیل تعداد زیاد اشعاری که در خلال متن آن آمده و نیز کهن بودن آن (مکتوب در ۶۸۵ هـ.ق) منبع ارزشمندی برای تحقیق، مأخذیابی و حتی تصحیح اشعار فارسی تا قرن هفتم به شمار می‌آید. در این دست‌نویس حدود ۱۵۰۰ بیت از گویندگان به فارسی و عربی، و در قالب‌های شعری مختلف ثبت است اما از قالب رباعی بیش از دیگر قوالب شعری استفاده شده. مؤلف رسائل العشاق در نیمه نخست این کتاب نام گوینده اغلب ابیات را یادآور شده اما در نیمه دوم کتاب به ندرت از گویندگان اشعار نامی به میان آمده و دلیل آن مشخص نیست. در این میان ۲۰۳ بیت نویافته در این دست‌نویس یافت شد. از این جمله ۲۷ بیت آن در دیگر مقاله‌ها معرفی شده‌اند و ۱۷۶ بیت باقی‌مانده نیز در مقاله حاضر معرفی شده‌اند. همچنین به چند بیت بی‌نام در متون نثر که در این دست‌نویس با نام گوینده آمده‌اند اشاره شده است. ضمن این تحقیق خلط «فخری» با «فزخی» در رسائل العشاق نیز عنوان و بررسی شده است. همچنین بخش‌هایی از چند مقاله علمی‌پژوهشی راجع به دست‌نویس رسائل العشاق در این تحقیق اصلاح و تکمیل شده است که در پیشینه پژوهش از آن‌ها یاد می‌شود. از یافته‌های دیگر این پژوهش، معرفی چند لغت فوت‌شده در فرهنگ‌های فارسی است و ابیاتی که این لغات را در بر دارند، شاهدمثال‌های خوبی برای ارائه و افزودن آن‌ها به فرهنگ‌هاست.

کلیدواژه‌ها: رسائل العشاق و وسائل المشتاق، اشعار نویافته، لغات فوت‌شده، تصحیح شعر، تصحیح نسخه خطی

Ali.ashayeri@ut.ac.ir

OrcID: 0009-0004-3958-3626

doi 10.48308/HLIT.2023.233287.1259



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Introducing Newly Found Couplets in the Manuscript of *Rasael al-Oshaq va Vasael al-Moshtaq*


Ali Ashayeri¹

Abstract

The manuscript of *Rasael al-Oshaq va Vasael al-Moshtaq* by *Seyfi-e-Neyshaburi* is a prose text of the 6th century A.H. and the oldest surviving text containing love letters in Persian. This single-copy manuscript is considered a valuable source for research, reference, and even editing of Persian poems up to the 7th century A.H. In the manuscript, there are about 1500 couplets written by poets in Arabic and sometimes Persian in different poetic forms, although the quatrain is the most usual form. In the first half of this manuscript, the author of *Rasael al-Oshaq* mentions the names of the poets of most of the couplets, but in the second half of the book, the names of the poets are rarely mentioned and this is without a clear reason. Among the couplets, 203 new ones were found in this manuscript. Among these 203 couplets, 27 have been introduced in other essays and the remaining 176 couplets are introduced in this article. In addition, some anonymous couplets in prose texts that are mentioned with the names of their poets are introduced in this article. Moreover, the confusion between “Faxri” and “Farroxi” in the manuscript of *Rasael al-Oshaq* has been mentioned and analyzed. Also, some parts of the research articles on this manuscript, which are mentioned in the research background section, have been revised and improved in this research. Another achievement of this research is introducing some dead words to Persian dictionaries. The couplets that contain these words are sufficient reason for adding them to dictionaries.

Keywords: *Rasael al-Oshaq va Vasael al-Moshtaq*, newly found poems, dead words, poem editing, manuscript editing

1. MA in Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran, email: Ali.ashayeri@ut.ac.ir

 OrcID: 0009-0004-3958-3626

 doi 10.48308/HLIT.2023.233287.1259



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

۱. مقدمه

نسخه خطی (دست‌نویس) رسائل العشاق و وسائل المشتاق اثر مسعود بن احمد سیفی نیشابوری است که تک‌نسخه آن در کتابخانه آلمالی ترکیه به شماره ۳۰۰۵ نگهداری می‌شود. نام آن به صورت «رسائل العشاق و وسائل المشتاق» در برگ ۲ ر، آمده و نام مؤلف آن در برگ ۱ پ، و ۲ ر، چنین است: «ابوالمعالی مسعود بن احمد السیفی».

این نسخه آن‌طور که در برگ پایانی آن آمده، در سال خمس و ثمانین و ستمائه (۶۸۵ هـ ق) کتابت شده که به علت کهن بودن، در تصحیح اشعار شاعرانی که شعر آن‌ها در خلال نثر نسخه آمده، و نیز مأخذیابی و صحت انتساب اشعار به گویندگانی که نام ایشان در متن ذکر شده بسیار ارزشمند است.

جواد بشری در مقاله‌ای با عنوان «برخی ابیات فارسی از سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری در چند مأخذ کهن» آورده است: «نخستین بار گویا احمد آتش (۱۹۱۷-۱۹۶۶ م.) از این نسخه بسیار نفیس مورخ ۶۸۵ ق. در مقاله خود پیرامون برخی نسخه‌های نفیس موجود در منطقه آنتالیا - که در سال ۱۹۴۸ م. در «مجله زبان و ادبیات ترکی» دانشگاه استانبول منتشر شد - یاد کرد (Ahmed Ates, 1948: 180-183). توصیف آتش چندان مورد توجه قرار نگرفت و در نشریات دانشگاهی و آثار دانشوران ایران، تنها در برگردانی که خیام‌پور (۱۳۲۹: ۱۶۷-۱۶۸) از آن عرضه کرد، برای اولین بار و آخرین بار سخنی از این منبع پرارزش به میان آمد.» (بشری، ۱۳۹۸: ۱۳۱)

چنان‌که جواد بشری در این مقاله اشاره کرده است (همان: ۱۳۱)، گویا نخستین بار عوفی از این کتاب یاد می‌کند. عوفی در لباب‌الالباب از مؤلف کتاب با عنوان «الحکیم علی ابن احمد السیفی النیشابوری» نام برده و ذیل این نام آورده است: «سیفی که سیف بیان او را کلالیت نبود و عقل را از استماع لطف لفظ او ملالت نی، نظمش با نظام و نثرش با قوام و تألیفی ساخته است صدعشق‌نامه که عاشق به معشوق نویسد در معانی و احوال که میان عاشق و معشوق افتد در غایت لطف آمده است و مقبول فضلا و پسندیده امثال است.» (عوفی، ۱۳۳۵: ۳۵۹ و ۳۶۰)

ذبیح‌الله صفا نیز در جلد دوم تاریخ ادبیات در ایران، ذیل «سیفی نیشابوری» آورده است: «علی بن احمد سیفی نیشابوری از شاعران نیمه دوم قرن ششم هجری و در نظم و نثر استاد بوده است. گویند وی کتابی حاوی صد نامه عاشقانه، که عاشق به معشوق نویسد تألیف کرده بود که مقبول فضلا و پسندیده امثال بود. غزل‌ها و قصاید مصنوع او مشهور بود... سیفی هم مانند دیگر شاعران عهد خود به غزل رغبتی داشت و چند غزل از او در لباب‌الالباب نقل شده است» (صفا، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۲۶)

عوفی بعد از ذکر نام سیفی نیشابوری، از او چهار غزل و دو رباعی ذکر می‌کند که حتی بی‌تی از آن‌ها هم در رسائل العشاق مندرج نیست (چراکه در رسائل العشاق ابیاتی به نام سیفی نقل شده است). نیز از متن «صدعشق‌نامه» که آن را از سیفی نیشابوری می‌داند کلمه‌ای نقل نکرده است تا بر ما محرز شود نسخه «رسائل العشاق و وسائل المشتاق» که ما در دست داریم همان «صدعشق‌نامه» ای است که عوفی از آن یاد کرده است. و صفا نیز بعد از سخن خود چهار غزل از او می‌آورد که سه غزل آن در لباب‌الالباب به عنوان غزل‌های سیفی مندرج است و ابیات غزل دیگر نیز در رسائل العشاق ثبت نیست.

علی‌قلی‌واله داغستانی نیز در تذکره ریاض الشعراء، جلد ۲، صفحه ۹۴۵ ذیل «علاء‌الدین سیفی نیشابوری» چنین نگاشته است: «نام وی حکیم علی بن احمد است. گویند اشعار مصنوعه ممتنع‌الجواب بسیار دارد.» و سپس یک رباعی از او نقل می‌کند که در رسائل العشاق مندرج نیست.

همان‌طور که در سطور پیشین آمد، در لباب‌الالباب، تاریخ ادبیات در ایران، و تذکره ریاض الشعراء نام صاحب اثر «علی بن احمد سیفی نیشابوری» ثبت شده است. نکته قابل توجه این است که در دست‌نویسی که از رسائل العشاق در دست است نام صاحب اثر چنین مضبوط است: «... چنین گوید ابوالمعالی مسعود بن احمد السیفی رحمه الله...» (سیفی نیشابوری، ۱۳۹۹: ۴ و ۳) لذا با چنین شواهدی نمی‌توان به قطع یقین گفت این رسائل العشاق همان صدعشق‌نامه‌ای است که عوفی از آن یاد می‌کند و این سیفی نیشابوری همان است که نام او در لباب‌الالباب، تذکره ریاض الشعراء، و دیگر تذکره‌هایی که صفا عنوان داشت آمده. با توجه به نکته مذکور، برای اطلاع بیشتر راجع به سیفی رجوع کنید به دانشنامه زبان و ادبیات فارسی، مدخل «سیفی نیشابوری».

باری، این کتاب شامل صد نامه عاشقانه به زبان فارسی است و نگارنده در هر نامه در خلال متن، اشعاری از شاعران هم‌دوره یا گذشته خود می‌آورد. اغلب اشعاری که سیفی نیشابوری به کار می‌گیرد به مقتضای موضوع، طبعاً عاشقانه است که قالب‌های مختلف شعر فارسی را شامل می‌شود از جمله تک‌بیت (آوردن تک‌بیتی از یک غزل، رباعی، قصیده، قطعه، مثنوی یا...)، قصیده، مثنوی، غزل، قطعه و رباعی. و البته رباعی سهم بیشتری دارد.

در این میان اشعاری که ضمن مأخذیابی^۱ در دیوان گویندگان، منظومه‌ها، مجموعه‌ها، سفینه‌ها و جنگ‌ها و حتی به صورت پراکنده در متون نثر یافت نشد، برای معرفی استخراج شده‌اند که عرضه خواهند شد. راجع به ابیات رسائل العشاق که در هیچ مأخذی یافت نشده و نام گوینده نیز ندارد باید با احتیاط سخن گفت و نمی‌توان یقیناً آن‌ها را جزو اشعار نویافته ذکر کرد چراکه ممکن است در جنگ، سفینه یا متن دیگر

پیدا شوند. از حدود ۱۵۰۰ بیتهایی که در رسائل العشاق ثبت است، ۵۰۶ بیت و ۲ مصرع این وضعیت را دارند یعنی نه در متن نام‌گوبنده دارند و نه در مأخذی یافت شده‌اند.

تعداد ۲۰۳ بیت نویافته ضمن تحقیق در مأخذ اشعار رسائل العشاق یافت شد. درباره‌ی شناسایی این اشعار باید گفت یا نام‌گوبنده پیش از آن‌ها ذکر شده، یا بی‌نام بوده‌اند و با ردیابی ابیات پیش و پس آن‌ها در دواوین و منظومه‌ها، گوبنده آن‌ها مشخص شده است. از این ۲۰۳ بیت، ۲۷ بیت آن در سایر مقاله‌هایی که عنوان خواهد شد معرفی شده‌اند. از میان ۱۷۶ بیت باقی‌مانده که در مقاله حاضر معرفی شده‌اند، ۲۲ بیت مربوط به شاعرانی است که دیوان یا منظومه مستقل دارند و ۱۵۴ بیت دیگر متعلق به شاعران بی‌دیوان است. در مورد گوبندگانی که بی‌دیوان هستند باید گفت اشعاری که در منابع مختلف خطی یا چاپی مضبوط نیستند به عنوان نویافته‌ها ثبت شده‌اند. این منابع جنگ‌ها، تذکره‌ها و کتب بلاغی، و متون نثری که برای این تحقیق بررسی شدند را شامل می‌شود. البته کتاب شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان به تصحیح محمود مدبری (مدبری، ۱۳۷۰)، اشعار پراکنده قدیمی‌ترین شعرای فارسی‌زبان به تصحیح ژیلبر لازار (لازار، ۱۳۶۱)، و نیز کتاب دو جلدی اشعار فارسی پراکنده در متون اثر علی صفری آق‌قلعه (صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۵) نیز در دستور کار قرار گرفت. در مورد شاعرانی که دیوان دارند، دواوین یا منظومه‌های این شاعران بررسی شدند و اشعار نویافته‌ای که معرفی شده‌اند در این منابع یافت نشده‌اند: دیوان انوری (تصحیح مدرس)، دیوان انوری (تصحیح نفیسی)، تصحیح انتقادی غزلیات انوری بر اساس کهن‌ترین نسخ تا قرن نهم، حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة (تصحیح مدرس)، حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة (تصحیح یاحقی و زرقانی)، دیوان عمادی شهریاری (۱۳۸۱)، دیوان معزی نیشابوری، دیوان فرخی سیستانی، ویس و رامین، دیوان لامعی گرگانی، رباعیات مهستی گنجوی (۱۹۸۵). علاوه بر این، ضمن این تحقیق گوبنده چهار بیت پراکنده در متون نثر مشخص شد که شرح آن خواهد آمد.

۲. پیشینه پژوهش

۱-۲. «معرفی رسائل العشاق و بررسی شیوه سیفی نیشابوری در آداب کتابت و انشای نامه‌های عاشقانه فارسی در سده ششم هجری» تألیف احترام رضایی و سکینه غلام‌پور دهکی (۱۴۰۱). در این جستار درباره‌ی رسائل العشاق و ویژگی‌های سبکی و ساختار نثر آن سخن رفته است. آنچه در راستای تحقیق پیش رو کارآمد است موضوع عدم تطابق نام دقیق سیفی نیشابوری در متن نسخه با لباب‌الالباب، تاریخ ادبیات در ایران و

شناسنامه چاپ عکسی نسخه است (رضایی و غلامپور، ۱۴۰۱: ۱۰۲) که البته همایون شکری پیش‌تر در گزارش میراث به آن اشاره کرده بود - که ذکر خواهد شد - و نگارندگان این مقاله آن را ندیده‌اند. نام «ابن طلحه» در جدول صفحه ۱۱۴ (ابن طلحه) نیز باید اصلاح شود.

۲-۲. «شعرهایی نویافته از امیر معزی» اثر همایون شکری (۱۴۰۱). در این مقاله تمام اشعاری که به نام امیر معزی در رسائل العشاق یافت شده بررسی و اشعاری که در دیوان معزی نیشابوری نیامده به عنوان اشعار نویافته عرضه شده است. اما یک بیت نویافته امیر معزی که بدون اشاره به نام گوینده در رسائل العشاق آمده از این مقاله فوت شده و به بیت دیگر که در دنباله بیت نویافته مذکور آمده نیز توجهی نشده. بیت دوم رهنمونی است برای معرفی بیت نخست به عنوان نویافته، چرا که با آن هموزن و هم‌قافیه و در دیوان معزی نیشابوری ثبت است. ابیات مورد بحث در صفحه ۱۸۵ چاپ عکسی و برگ ۹۳ ر، در نسخه رسائل العشاق چنین‌اند:

قلاش‌وار خیره چه گردی به گرد شهر جایی فرونشین و به هر جای در مشو
یارت منم به عالم و جای دل من است یاری دگر مگیر و به جای دگر مشو
نکته قابل توجه دیگر این که دو بیت دیگر معزی که در رسائل العشاق ثبت است در مقاله مذکور ذیل «بررسی بیت‌های چاپ‌شده» نیامده است. این ابیات در صفحه ۳۵۵ چاپ عکسی و در برگ ۱۷۸ ر نسخه چنین است:

تا سریر و سرور جمع بود در سرایی که جشن باشد و سور
از سرایت جدا مباد سریر وز سریرت جدا مباد سرور
این خطاها به این دلیل رخ داده که نگارنده مقاله مذکور تنها اشعاری را بررسی کرده است که مؤلف رسائل العشاق پیش از آوردن آن‌ها از نام گوینده آن‌ها نیز یاد می‌کند. لذا جست‌وجو در اشعار بی‌نام و سعی در ردیابی مآخذ آن‌ها در دستور کار این مقاله نبوده است.

همچنین در همین مقاله ذیل یک رباعی آمده است: «یکی دیگر از رباعیات امیر معزی منقول در رسائل العشاق در نزهة المجالس به جمال الدین شاهفور بن محمد شهری نیشابوری (۶۰۶ هـ.ق) نسبت داده شده است». (شکری، ۱۴۰۱: ۳۵۰) نیز در نتیجه‌گیری همین مقاله یادآور شده است: «روشن شد که جمال خلیل شروانی در نزهة المجالس به اشتباه دو رباعی امیر معزی را به ابوالبرکات و شهری نسبت داده است».

(شکری، ۱۴۰۱: ۳۵۳)

این در حالی است که این رباعی (رسائل العشاق: ۱۴۰؛ ۷۰ پ) در نزهة المجالس بدون نام گوینده و پس از یکی از رباعی‌های «اشهری» و با عنوان «لغیره» آمده است. (شروانی، ۱۳۷۵: ۵۵۲). برای اطمینان از این امر نگارنده به چاپ نخست نزهة المجالس (تهران: زوار، ۱۳۶۸)، ص ۴۹۰، نیز رجوع کرد که در آن چاپ بر تارک این رباعی عنوان «لغیره» درج شده بود و از رجوع به اصل نسخه بی‌نیاز شد. نیز علاوه بر نزهة المجالس و جُنگ رباعی که در این مقاله به آن اشاره شد، این رباعی در دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی (۱۳۶۶)، ص ۲۳۵ نیز مضبوط است. لذا با توجه به این نکته و خطاهای دیگر نگارنده مقاله، جدول آماری صفحه ۳۴۳ در این مقاله نیز غیر قابل استناد است.

خطای دیگر این مقاله مربوط است به افتادگی واژه «امروز» در یک بیت معرّی در رسائل العشاق. بیت

چنین است:

«... امیر معرّی گوید:

آن بت مجلس فروز [امروز]^۲ اگر با ماستی مجلس ما خزمستی، کار ما زیباستی»

(رسائل العشاق: ۸۶؛ ۴۳ پ)

در این مقاله می‌خوانیم: «ضبط چند بیت در دیوان و رسائل العشاق یکسان است. یکی از آن بیت‌ها این است...». (شکری، ۱۴۰۱: ۳۴۵) و آنگاه بیت عیناً از رسائل العشاق نقل شده است بدون اینکه به افتادگی واژه «امروز» اشاره‌ای شود. این در حالی است که در دیوان معرّی نیشابوری بیت به درست با ضبط واژه «امروز» نقل شده که تکمیل‌کننده وزن و نیز معنای این بیت است. (معرّی نیشابوری، ۱۳۱۸: ۷۱۷)

۲-۳. دیگر مقاله کوتاهی است با عنوان «رفع چند سوءتفاهم درباره سیفی نیشابوری» به قلم همایون شکری (۱۳۹۹). در این جستار ذیل «نام نویسنده علی است یا مسعود» بحث مفصل و درخوری راجع به عدم تطابق نام دقیق مؤلف رسائل العشاق و ذکر سیفی نیشابوری که در لباب‌الالباب و همه تذکره‌ها آمده، سخن رفته است. (شکری، ۱۳۹۹: ۱۳۷) در این مطلب نام مؤلف همان دانسته شده که در دیباچه نسخه رسائل العشاق آمده. این قول صائبی است اما راجع به اینکه این سیفی نیشابوری همان است که عوفی از آن یاد می‌کند تردیدی حاصل نشده، چون در لباب‌الالباب از اثر او با عنوان «صدعشق‌نامه» یاد شده نه «رسائل العشاق و وسائل المشتاق». با این حال این فرضیه نیز موجود است و باید به آن توجه داشت و با تحقیق بیشتر آن را رد یا اثبات کرد.

نیز در این مقاله ذیل «وابستگی درباری سیفی» دربارهٔ ممدوح او سخن به میان آمده و در خور توجه است. استناد نگارنده بر تک‌قصیده‌ای است که در منابع به نام سیفی نیشابوری آمده. (همان، ۱۳۹۹: ۱۳۷ و ۱۳۸) در این باره نیز باید به فرضیه‌ای که پیشتر مطرح شد دقت کرد: «آیا مؤلف رسائل العشاق همان است که عوفی از او به عنوان مؤلف صدعشق نامه یاد کرده است؟»

نکته مهمی که در این مقاله به آن اشاره شده جابه‌جایی دو برگ از این دست‌نویس است که محققین این نسخه باید به آن توجه کنند تا مطالب سه‌نامه از این نسخه و ابیات یک رباعی را به صورت پراکنده نخوانند. (همان، ۱۳۹۹: ۱۳۸ و ۱۳۹). بی‌شک این جابه‌جایی هنگام صحافی رخ داده است چرا که شماره برگ‌ها با اعداد لاتین پایین دست‌نویس مرقوم است که بعد از صحافی انجام گرفته. در این مقاله همچنین نکات قابل توجهی راجع به افتادگی‌های قلم کاتب و جابه‌جایی یکی از مطالب کتاب آمده که درخور توجه است. (همان، ۱۳۹۹: ۱۳۹)

۲-۴. مقاله دیگر «فردوسی در رسائل العشاق» به قلم جويا جهانبخش (۱۳۹۹). در این مقاله اشعار منسوب به فردوسی و نیز ابیاتی که بدون نام از فردوسی در رسائل العشاق آمده بررسی شده‌اند و مأخذ ابیات نیز به طور مفصل آمده است.

اما دو بیت از فردوسی که در رسائل العشاق بدون نام گوینده آمده در این مقاله فوت شده. این دو بیت در صفحه ۱۹۳ چاپ عکسی و برگ ۹۷ ر، در دست‌نویس رسائل العشاق چنین‌اند:

اگر بچه شیر ناخورده شیر	پيوشد کسی در میان حریر
به گوهر شود باز چون شد بزرگ	نترسد ز آهنگ پیل سترگ

(فردوسی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۳۱)

۲-۵. «برخی ابیات فارسی از سدهٔ چهارم و اوایل سدهٔ پنجم هجری در چند مأخذ کهن» اثر جواد بشری (۱۳۹۸). جواد بشری در این مقاله طی معرفی سه مأخذ کهن از جمله رسائل العشاق و توضیحاتی راجع به نسخهٔ کتاب مذکور، ابیاتی نوبافته از «عنصری»، «فرخی سیستانی»، «عسجدی» و «زینبی» در رسائل العشاق را عرضه داشته است. در این میان مطالبی که راجع به تک‌بیت نوبافتهٔ عنصری از منظومهٔ «شادبهر و عین‌الحیات» در رسائل العشاق آمده است درخور تأمل است (بشری، ۱۳۹۸: ۱۲۶ و ۱۲۷).

اما در این مقاله به خلط «فرخی» و «فخری» در رسائل العشاق اشاره‌ای نشده است چرا که این خلط این

گمان را به وجود می‌آورد که آیا رباعی‌ای که به نام «فرخی» آمده نمی‌تواند از «فخری» (فخرالدین اسعد گرگانی) باشد؟ با نظر به اینکه در نزهة‌المجالس نیز یک رباعی به نام او و یک رباعی با عنوان «جرجانی» ثبت است. البته درباره این موضوع و دادن نظر قطعی راجع به آن، نیاز به پژوهش‌های دقیق‌تر و گسترده‌تری داریم. هرچند آنچه نگارنده تا کنون حاصل کرده است این است که در رسائل العشاق، با ذکر نام «فخری»، اشعاری از «فرخی سیستانی» می‌آید و خلط برعکس آن یعنی ذکر «فرخی» و آوردن اشعاری از «فخری» مشاهده نشده است و رباعی‌ای که به نام «فرخی» آمده به احتمال قریب به یقین و طبق نظر جواد بشری از نوبافته‌های «فرخی سیستانی» است. راجع به خلط «فخری» با «فرخی» در رسائل العشاق و دو رباعی‌ای که در نزهة‌المجالس ثبت است، مطلبی خواهد آمد.

۲-۶. دیگر مقاله‌ای است که در باب معرفی ابیات نوبافته انوری تألیف شده و در آن، بیت نوبافته انوری در رسائل العشاق که مورد نظر ماست یافت نشد: «اشعار نوبافته از انوری» نوشته رحمان ذبیحی (۱۳۹۸).

۲-۷. «تحقیق در اشعار پراکنده ابوالمعالی نحاس رازی»، نوشته الیاس نورابی و سهیل یاری گل‌دژه (۱۳۹۴). در این مقاله ابیات پراکنده ابوالمعالی رازی بر اساس چند متن و دست‌نویس معرفی شده‌اند. دو بیت که در رسائل العشاق بدون نام گوینده آمده، در این مقاله بر اساس «جنگ سعد الهی» به نام ابوالمعالی رازی معرفی شده است:

بزرگوارا بیماری مبارک تو اگرچه صعب نمود اندر او نبود خطر
از آن کجا تو همه عالمی نه یک شخصی^۳ هنوز^۴ مدت عالم نیامده است به سر

(رسائل العشاق: ۳۸۱؛ ۱۹۱ ر)

این قطعه در دو موضع دست‌نویس روضة‌الناظر نیز مضبوط است و نگارندگان مقاله مذکور به آن اشاره‌ای نکرده‌اند. این قطعه در روضة‌الناظر، برگ ۱۵۵ ر (به نام امیر معزی) و در برگ ۱۸۲ پ (به نام معزی) با اختلافاتی مشاهده می‌شود. پیش از ذکر ابیات پراکنده ابوالمعالی نحاس در «جنگ سعد الهی» این جملات آمده: «اشعاری از ابوالمعالی در این جنگ دیده می‌شود که برخی از آن‌ها نوبافته هستند» (نورابی و گل‌دژه، ۱۳۹۴: ۳۲۴) لکن به اینکه کدام یک از اشعار نوبافته هستند نیز اشاره‌ای نشده است.

اما بیت دیگری که به نام ابوالمعالی رازی در رسائل العشاق ثبت است و در مقاله حاضر معرفی خواهد شد در مقاله مذکور یافت نشد.

۸-۲. «ابیاتی نویافته از لامعی گرگانی» نگارش محمد منصور و اسماعیل شמושکی، (۱۳۹۴). در این مقاله ۵۲ بیت نویافته از لامعی معرفی شده است و بیت مورد نظر ما در میان این ابیات یافت نشد.

۹-۲. در معرفی اشعار نویافته عمادی نیز مقاله «بررسی اشعار نویافته عمادی» اثر سهیل یاری گل‌دژه و طاهره چهری (۱۳۹۲) در دست است. در این جستار نیز پنج بیتی که در رسائل العشاق به نام عمادی ثبت است نیامده.

۱۰-۲. «اشعار نویافته از انوری در نسخه‌ای کهن» اثر محسن شریفی صحنی و مهدخت پورخالقی چترودی (۱۳۹۱). در این مقاله ۲ غزل، ۵ قطعه و ۸۴ رباعی بر اساس دست‌نویسی از دیوان انوری در کتابخانه مجلس معرفی شده است. بیت نویافته انوری در رسائل العشاق در میان ابیات این مقاله یافت نشد.

۱۱-۲. «ابیات نویافته سنایی منسوب به سنایی» اثر محبوبه علی حوری و محمدجعفر یاحقی، (۱۳۸۹). در مطالب این مقاله نیز بیت نویافته سنایی در رسائل العشاق نیامده است.

۳. ضرورت پژوهش

معرفی اشعار نویافته گویندگان در دست‌نویس رسائل العشاق، در مرتبه نخست ابیاتی را به پیکره نظم فارسی اضافه می‌کند که در مطالعات سبک‌شناسی و زبان‌شناسی بسیار ارزشمند هستند و معرفی این اشعار با توجه به مشخص بودن نام گوینده آن‌ها به پژوهشگران حوزه سبک‌شناسی کمک می‌کند تا بتوانند با در دست داشتن اشعار بیشتری، نسبت به سبک گوینده و اختصاصات اشعار او تحقیقات خود را پیش ببرند. نکته دیگر آنکه با توجه به کهن بودن نسخه رسائل العشاق، این اشعار باید در تصحیحات مجدد از دواوین هریک از این شاعران، مورد نظر مصححان قرار بگیرد و این اشعار را به تصحیح خود اضافه کنند یا دست کم نظری به آن‌ها داشته باشند.

نیز در باب ارزش واژگانی که در معرفی اشعار نویافته نهفته است باید گفت در ابیات نویافته گاه لغاتی به چشم می‌خورد که به دلیل کم‌کاربرد بودن واژه، در فرهنگ‌های فارسی یا اصلاً شاهدمثال ندارند یا تعداد

آن‌ها کم است. حتی گاه لغاتی در این ابیات مشاهده می‌شود که در فرهنگ‌های فارسی مدخل نشده‌اند و بیتی که واژه مورد نظر در آن آمده می‌تواند شاهدمثال خوبی برای لغت مورد نظر باشد. پس با معرفی اشعار نوبافته گاه لغات فوت‌شده از فرهنگ‌ها نیز به پیکره لغات فارسی افزوده می‌شود. در این تحقیق نیز پس از بررسی اشعار نوبافته، سه واژه ارزشمند معرفی می‌شوند که ابیات آن‌ها شاهدمثال خوبی برای ارائه معنی این واژگان است. نخست واژه «إجاب» (ejab) است که در بیتی از «علی زندنجی» آمده:

لعل صفت رنگ رخم زرد کرد وز بر مخلوق **اجابیم** ببرد

(رسائل العشاق: ۲۳؛ ۱۲ ر)

این واژه در فرهنگ بزرگ سخن و لغتنامه دهخدا مدخل نشده است و به نظر می‌رسد به معنی «مقبولیت» به کار رفته باشد.

واژه دیگر «أبداع» (abdā) است که در بیتی از علی زندنجی آمده. مدخل این واژه در فرهنگ بزرگ سخن ثبت نیست. در لغتنامه دهخدا شاهی برای آن نیامده و معنی آن چنین است: «ج بدع». و بدع نیز به معنی چیز نو و شگفت معنی شده است:

تویی **أبداع** حُسن را مأوی تویی ارباب عیش را مقصود

(رسائل العشاق: ۲۱؛ ۱۱ ر)

واژه قابل تأمل دیگر «حَقود» (haqud) است که در فرهنگ‌ها شاهدمثال‌های آن معدود است و می‌تواند به شاهدهای مدخل «حَقود» اضافه گردد. بیت حاوی این واژه هم از علی زندنجی است:

ز ارتفاعات هردو باد تو را بخت پیروز و طالع مسعود

نکبت هردوان زده آتشش در نهاد حسود و جان **حَقود**

(رسائل العشاق: ۲۱؛ ۱۱ ر)

۴. خَلط فخری با فرخی

در چهار جای دست‌نویس رسائل العشاق و وسائل المشتاق پس از ذکر نام «فخری گرگانی» یا «فخری» ابیاتی از «فرخی سیستانی» آمده است. چون این اتفاق چند بار تکرار شده به نظر می‌رسد این سهو از قِبَل مؤلف باشد و اگر بخواهیم این اشتباه را به کاتب نسبت دهیم باید او را به دخل و تصرف در متن متهم کنیم چون این تغییر نام چند بار تکرار شده. یکی در صفحه ۵۸؛ ۲۹ پ، با ذکر «فخری گرگانی» دو بیت از «فرخی

سیستانی» آمده. دیگری در صفحه ۱۷۳؛ ۸۷ ر، با ذکر «فخری» پنج بیت از اشعار «فرخی سیستانی» ثبت است. دیگر دو بیتی است که در صفحه ۲۴۲؛ ۱۲۱ پ، به نام «فخری» آمده. تمام این ابیات در دیوان فرخی مضبوط است و از اوست. انتساب بحث‌برانگیز در صفحه ۱۷۴؛ ۸۷ پ، رباعی‌ای است که پس از ذکر نام «فخری» ثبت شده است. با توجه به اشتباهات پیشین مؤلف در انتساب اشعار «فرخی» به «فخری»، این رباعی می‌تواند از رباعیات نویافته «فرخی سیستانی» باشد. البته باید توجه داشت که در نزهةالمجالس نیز یک رباعی به نام «فخری گرگانی» و یک رباعی به نام «جرجانی» آمده که محمدامین ریاحی، مصحح نزهةالمجالس، هر دو را از «فخرالدین اسعد گرگانی» می‌داند و می‌نویسد: «... فخرالدین اسعد جرجانی سراینده مثنوی ویس و رامین شاعر نیمه اول قرن پنجم و معاصر طغرل سلجوقی است. رباعی ۳۰۳۱ به نام «جرجانی» و ۶۸۶ به نام «فخری گرگانی» از او و بسیار مغتنم است. زیرا از او جز ویس و رامین شعری روایت نشده. عوفی (که قدیمی‌ترین کسی است که از او نام می‌برد) می‌گوید: «از اشعار او جز ویس و رامین دیگر مطالعه نیفتاد جز این یک قطعه». آن‌گاه یک هجویه پنج‌بیتی می‌آورد». (شروانی، ۱۳۷۵: ۱۱۸ و ۱۱۹). لذا با نظر به اینکه در نزهةالمجالس از لفظ «جرجانی» استفاده شده احتمال خلط آن با فرخی نیست و دست‌کم می‌توان گفت فخری گرگانی نیز رباعی داشته است اما این همه بر پایه این است که «جرجانی» شخصی جز «فخری گرگانی» نباشد ولی محمدامین ریاحی بدون ارائه هیچ سند یا مأخذ و مرجعی «جرجانی» را «فخرالدین اسعد گرگانی» دانسته است. البته درباره این موضوع و دادن نظر قطعی راجع به آن، نیاز به پژوهش‌های دقیق‌تر و گسترده‌تری داریم. آنچه نگارنده تا کنون حاصل کرده است چنین است: در دست‌نویس رسائل العشاق با ذکر نام «فخری»، اشعاری از «فرخی سیستانی» می‌آید و خلط برعکس آن یعنی ذکر «فرخی» و آوردن اشعاری از «فخری» مشاهده نشده است. لذا رباعی‌ای که در صفحه ۵۳؛ ۲۷ ر، به نام «فرخی» آمده به احتمال قریب به یقین و طبق نظر جواد بشری از نویافته‌های «فرخی سیستانی» است. نیز نگارنده رباعی صفحه ۱۷۴؛ ۸۷ پ، را که با نام «فخری» آمده، با نظر به قرائنی که ذکر آن رفت عجالتاً به نام «فرخی» ثبت کرده است.

البته گفتنی است که در چهارمقاله نیز شبیه این خلط دیده می‌شود: «اما اسامی آل سلجوق باقی ماند به فرخی گرگانی و لامعی دهستانی و جعفر همدانی و...» (نظامی عروضی، ۱۳۹۶: ۲۸) محمد قزوینی در تعلیقات، راجع به «فرخی گرگانی» آورده است: «فرخی گرگانی، کذا فی جمیع النسخ، و احتمال می‌رود که مراد فخرالدین اسعد جرجانی صاحب مثنوی معروف ویس و رامین باشد و فرخی سهواً بجای «فخری» نوشته شده باشد، و الله اعلم.» (همان: ۱۵۴)

۵. ابیات بی‌نام که گوینده آن‌ها مشخص شد

ابیاتی در متون نثر یا جُنگ و سفینه‌ها به صورت پراکنده آمده که در دواوین یا منظومه هیچ شاعری ثبت نشده است. نام گوینده این ابیات در رسائل العشاق و وسائل المشتاق پیش از آن‌ها ذکر شده و از سرگردانی خلاص یافته‌اند. البته این بدین معنا نیست که تمام انتسابات درست و دقیق هستند چراکه این همه بر اساس یک دست‌نویس (هرچند کهن) ارائه می‌شود. در ذیل تمام اشعاری که در دست‌نویس رسائل العشاق این وضعیت را دارند به ترتیب ذکرشان در نسخه می‌آیند و مأخذ آن‌ها نیز در پی‌نوشت ذکر می‌شود.

«... این طلحه گوید:

ایام وصال آن دل‌افروز چه بود	و آسایش آن دولت‌پیروز چه بود
افزون ز هزاربار با درد و دریغ	هرشب گویم که یارب آن روز چه بود» ^۵

(رسائل العشاق: ۱۵۳؛ ۷۷ ر)

«... حسن گوید:

هرچند مرا جفا نماید سخت	آخر نه همی گذر کند بر دهننت؟» ^۶
	(رسائل العشاق: ۱۶۷؛ ۸۴ ر)

«... فرخی گوید؛ نظم:

... تو همه از مهر من آری حدیث	من همه از عشق تو گویم سخن» ^۸
-------------------------------	---

(رسائل العشاق: ۲۳۶؛ ۱۱۸ پ)

۶. ابیات نویافته‌ای که معرفی شده‌اند

۱. زینبی، ۲ بیت: در صفحه ۴۸؛ ۲۴ پ. این دو بیت در مقاله (بشری: ۱۳۹۸) معرفی شده‌اند.
۲. عسجدی، ۲ بیت: در صفحه ۴۵؛ ۲۳ ر. این دو بیت در مقاله (بشری: ۱۳۹۸) معرفی شده‌اند.
۳. عنصری، ۱ بیت: در صفحه ۱۸۰؛ ۹۰ پ. این بیت در مقاله (بشری: ۱۳۹۸) معرفی شده است.
۴. فرخی، ۲ بیت: در صفحه ۵۳؛ ۲۷ ر. این دو بیت در مقاله (بشری: ۱۳۹۸) معرفی شده‌اند.
۵. معزی، جمعاً: ۲۰ بیت: ۲ بیت در صفحه ۲۵؛ ۱۳ ر، ۲ بیت در صفحه ۵۸؛ ۲۹ پ، ۲ بیت در صفحه ۶۰؛ ۳۰ پ، ۲ بیت در صفحه ۶۴؛ ۳۲ پ، ۲ بیت در صفحه ۸۵؛ ۴۳ ر، ۲ بیت در صفحه ۱۴۱؛ ۷۱ ر، ۴ بیت در صفحه ۱۶۵؛ ۸۳ ر، ۲ بیت در صفحه ۲۰۴؛ ۱۰۲ پ، ۲ بیت در صفحه ۲۱۰؛ ۱۰۵ پ. همگی در مقاله

«شعرهایی نویافته از امیر معزی» معرفی شده‌اند. (شکری، ۱۴۰۱) اما همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد ۱ بیت از امیر معزی که در صفحه ۱۸۵: ۹۳ ر دست‌نویس رسائل العشاق آمده در این مقاله فوت شده که بدان اشاره خواهد شد.

۷. تأیید انتساب یک بیت به انوری

تقی مدرس رضوی دربارهٔ بیتی از یک قصیدهٔ انوری در دیوان انوری، جلد ۱، صفحه ۲۰۹، حاشیه ۶ آورده است: «بیست‌مقالهٔ قزوینی بیت زیر را اضافه دارد که در نسخه‌های موجود یافت نشد:

در آن دیار که در چشم خلق خوار شوی سبک سفر کن از آن‌جا برو به جای دگر»
برای دیدن این بیت رجوع کنید به بیست‌مقالهٔ قزوینی (۱۳۶۳: ۳۶۴). اما در دیوان انوری (تصحیح نفیسی) بدین شکل آمده:

در آن زمین که تو در چشم خلق خوار شوی سبک سفر کن زان‌جا برو به جای دگر
(انوری، ۱۳۶۴: ۱۲۱)

در رسائل العشاق بیتی بسیار شبیه به این بیت به همراه بیتی دیگر، بدون نام‌گوبنده ثبت است که نشان می‌دهد از یک قطعه شعر واحد هستند:

«... نظم:

بر آن زمین که بر مردمان تو خوار شوی مکن درنگ و به زودی از آن زمین بگذر
درخت اگر متحرک بُدی ز جای به جای نه رنج از کشیدی و نه عنای تبر»
(رسائل العشاق: ۳۳۲: ۱۶۶ پ)

لذا قرینهٔ ما برای انتسابش به انوری بیت دوم است که به همراه آن آمده و در هردو تصحیح از «دیوان انوری» مضبوط است. بیت دوم در کلیات شمس، ج ۳، ص ۳۹ نیز ثبت است اما با توجه به اینکه در دست‌نویس روضة‌الناظر، برگ ۹۲ پ، نیز به نام انوری مضبوط است و همچنین با نظر به نقل آن در بیست‌مقالهٔ قزوینی به همراه بیت مورد نظر ما، انتساب آن به انوری محتمل‌تر است.

۸. گویندگان بی‌دیوان و اشعار نویافته ایشان

۸-۱. ابن شاهفور، ۲ بیت:

«... ابن شاهفور گوید:

وان‌گه به بریکی نیایی ز همه
چون جمله طلب کنی برآیی ز همه»
(رسائل العشاق: ۱۸۰؛ ۹۰ پ)

عادت داری که دل ربایی ز همه
بگسل صنما تو آشنایی ز همه

۸-۲. ابن طلحه، جمعاً ۲۹ بیت:

«... ابن طلحه گوید؛ رباعی:

او را سوی دیگری دلم راه نداد
بر دیده من مهر رخت مهر نهاد»
(رسائل العشاق: ۳۳؛ ۱۷ ر)

تا سوی تو چشم من قضا بازگشاد
گویی به حقیقت ای بت حورنژاد

«... ابن طلحه گوید:

در هر نوعی هزار استادی داشت
هرگز روزی نشان آزادی داشت»
(رسائل العشاق: ۳۷؛ ۱۹ ر)

آن دل که کلید گنج هر شادی داشت
شد بنده تو، بدان نمانست که او

«... ابن طلحه گوید:

اندر دل او تخم وفای تو برست
وز هرچه صلاح دل بود دست بشست»
(رسائل العشاق: ۳۸؛ ۱۹ پ)

در عشق تو چون عزم رهی گشت درست
رخساره به خون دل بیالود نخست

«... ابن طلحه گوید؛ بیت:

هر دم‌زدنی درد تو بی‌درمان‌تر
بشتاب که بر من این ستم آسان‌تر»
(رسائل العشاق: ۸۷؛ ۴۴ ر)

هر روز مرا رنج تو بی‌پایان‌تر
گفتند تو گفته‌ای که خونت بخورم

«... ابن طلحه گفت؛ رباعی:

با وصل تو گر مرا شماری بنماند
شکر است که چون^{۱۰} بی تو همی باید بود

زین پس طمع امید باری بنماند
این جان ستم رسیده باری بنماند»
(رسائل العشاق: ۹۰؛ ۴۵ پ)

«... ابن طلحه گوید:

گویند مرا که صبر کن در غم عشق

چون صبر توان کرد بدین دل که مراست؟»
(رسائل العشاق: ۹۵؛ ۴۸ ر)

«... ابن طلحه گوید، رَجَمَهُ اللَّهُ:

عالم همه از زلف تو بوی تو گرفت
لیکن ز خیال تو مرا روزی نیست

و آوازه نیگسوی روی تو گرفت
گویی که خیالات تو خوی تو گرفت»
(رسائل العشاق: ۱۰۴؛ ۵۲ پ)

«... ابن طلحه راست:

تایار رخ خوب به من بنماید
در دل به از این که هست سنگی باید

عمری ست که انتظار می فرماید
کین کار همی ز سنگ بیرون آید»
(رسائل العشاق: ۱۲۲؛ ۶۱ پ)

«... ابن طلحه گوید:

با وصل تو هست بر جهان دست مرا
قصه چه کنم هر آنچه باید با تو

بر دل همه باد خرمی جست مرا
گر بیم زوال نیستی، هست مرا»
(رسائل العشاق: ۱۴۳؛ ۷۲ ر)

«... ابن طلحه گوید؛ رباعی:

با من فلک ار به کینه بیرون آید
گر دشمن من شود جهانی شاید

با مهر تو زهر او مرا نگزاید
بر دوستی تو اعتمادی باید»
(رسائل العشاق: ۱۴۴ تا ۱۴۹؛ ۷۲ پ-۷۵ ر)^{۱۱}

«... ابن طلحه گوید:

شب‌ها بودم بتا بدان روی تو شاد
و اکنون ز غم فراق ای حورنژاد
وز زلف و رخ تو ای صنم یافته داد
(رسائل العشاق: ۱۵۲؛ ۷۶ پ)

«... ابن طلحه گوید:

ای دل ز فراق، دست‌ها بر سر گیر
و ای جان ز تنم برو پی دلبر گیر
و ای چشم، رخم ز اشک در گوهر گیر
(رسائل العشاق: ۱۵۵؛ ۷۸ ر)

«... امام فاضل کامل، زین الشعراء، ابن طلحه گوید، رَجَمَهُ اللَّهُ:

گویی که گرت نیست گل صحبت یار
جان بر سر این فراق با امن نهم
شاید که همی نبینی از خصمان خار
(رسائل العشاق: ۱۵۶؛ ۷۸ پ)

«... ابن طلحه گوید:

رفت آنکه زدم به کام دل با تو نفس
عیشی که مرا هست کنون با همه کس
گویی که غم آمدت از این ناید پس
(رسائل العشاق: ۱۵۶؛ ۷۸ پ)

«... ابن طلحه گوید، رَجَمَهُ اللَّهُ؛ رباعی:

یکچند رهی به صبر گردن بفراشت^{۱۲}
در جستن و بوسیدن پایت پس از این
سرتافتن از تو سرفرازی پنداشت
(رسائل العشاق: ۲۰۴؛ ۱۰۲ پ)

۸-۳. ابوالمعالی رازی، بیت ۱:

«... ابوالمعالی رازی گوید؛ نظم:

تلخ است همه بهره من زان شکرین لب

با دولت من نیست عجب تلخی شکر»

(رسائل العشاق: ۵۸؛ ۲۹ پ)

۸-۴. اثری، بیت ۲:

«... اثری گوید؛ نظم:

ز تو جواب نیابم گرت سلام کنم

چگونه شاد کنم دل به دوستداری تو؟

اگر جواب سلام رهیت بازدهی

چه کم شود صنما از بزرگواری تو؟»

(رسائل العشاق: ۶۳؛ ۳۲ ر)

۸-۵. اسمعیل طوسان شاه (اسمعیل امیر طوس)، بیت ۲:

«... اسمعیل امیر طوس گوید؛ رباعی:

هرگز نکند قصد جفای تو رهی

هرگز نکشد سر ز وفای تو رهی

جوید به دل و دیده رضای تو رهی

سر برنهد ای صنم به پای تو رهی»

(رسائل العشاق: ۱۹۱؛ ۹۶ ر)

۸-۶. باخرزی، جمعاً ۱۲ بیت:

«... باخرزی گوید:

خون گرید دشمنم چو پرسد خبرم

گر بازدهم سر که چه آمد به سرم

هرچند ز درد دل چو خون شد جگرم

بنشسته در انتظار دردی دگرم»

(رسائل العشاق: ۴۹؛ ۲۵ ر)

«... باخرزی گوید، رَجَمَهُ اللَّهُ:

تا چند کشم عنا و بنمایم پشت؟

تا کی ز تو سرکشی و گفتار درشت؟

نایافته بر تو دست، دردا که فلک

آورد مرا به خیره در پای تو کشت»

(رسائل العشاق: ۶۴؛ ۳۲ پ)

«... باخرزی گوید؛ رباعی:

دشمن به هزار نوحه بر من بگریست
آگاه ز درد من نمی‌دانم کیست

کین دلشده با این‌همه بتواند زیست؟
من دانم و من که بر من از هجران چیست»
(رسائل العشاق: ۸۸؛ ۴۴ پ)

«... باخرزی گوید:

در جستن تو رهیت بی‌خویشتن است
گیرم که فراق تو یکی دم‌زدن است

و این درد دل رهی نه درخورد تن است
این صبر نه کار مستمندی چو من است»
(رسائل العشاق: ۹۷؛ ۴۹ ر)

«... باخرزی گوید؛ نظم:

ای دل چو برآورد ز تو چرخ دمار
چندین خود را بسته تیمار مدار

صدگونه ز غم نهاد بر جان تو بار
کین عشق نه کار توست با این سر و کار»
(رسائل العشاق: ۱۰۹؛ ۵۵ ر)

«... باخرزی گوید:

شکری که مرا ز وصل بودی دمساز
تا وصل فراق آمد و شد نیاز

نگزاردم از تکبر و شادی و ناز
چون عافیت از بلا ندانستم باز»
(رسائل العشاق: ۱۱۱؛ ۵۶ ر)

۷-۸. بندار رازی، ۱ بیت:

«... بندار رازی گوید:

نازش بکشم که دیم نیکویه

و انگشت‌نمای نیک‌وان اوییه»
(رسائل العشاق: ۶۷؛ ۳۴ ر)

۸-۸. تمیمی، جمعاً ۲ بیت:

«... تمیمی گوید:

دل سوخته‌ای مرا دعایی کرده است؟

یا^{۱۳} چرخ ستمکاره خطایی^{۱۴} کرده است؟»
(رسائل العشاق: ۱۶۰؛ ۸۰ پ)

«... تمیمی گوید؛ نظم:

مه را به جهان گر آرزویی بودی

بر فرق تو خواستی که مویی بودی»

(رسائل العشاق: ۲۰۴؛ ۱۰۲ پ)

۸-۹. خالد هروی، ۱ بیت:

«... خالد هروی گوید:

فراقا کم کن این بیداد کآخر

جهان تا جاودان چونین نماند»

(رسائل العشاق: ۲۳۷؛ ۱۱۹ ر)

۸-۱۰. خوافی، جمعاً ۴ بیت:

«... خوافی گوید:

طاووس خرامی ای چو آراسته باغ

خصم تو چو زاغ پیسه و مانده به راغ

رو دوری کن که هرگز ای چشم و چراغ

نشنید کسی قرین طاووس کلاغ»

(رسائل العشاق: ۲۳۴؛ ۱۱۷ پ)

«... خوافی گوید؛ رباعی:

هرگه که دل از وصل تو دل برگیرد

هجران تو را به ناز در برگیرد

آیی و سری بازدهی از غم عشق

تادل هوس تو باز از سر گیرد»

(رسائل العشاق: ۲۵۲؛ ۱۲۶ پ)

۸-۱۱. سنجری، جمعاً ۶ بیت:

«... سنجری گوید؛ رباعی:

در هجر تو حال بنده از بدتر است

و اندر غم تو ز خویشتن بی خبر است

هر شب ز فراق در غمت نوحه گر است

هر روز در اندھی و رنجی دگر است»

(رسائل العشاق: ۴۸؛ ۲۴ پ)

«... سنجری گوید:

تا کی بود ای نگار جباری تو؟ غم‌خوار شدم ز محنت و خواری تو
بی‌بار شدم همیشه از یاری تو بی‌خویش‌تنم ز خویش‌تن‌داری تو»
(رسائل العشاق: ۶۳؛ ۳۲ ر)

«... سنجری گوید^{۱۵}:

در دست دو چشم خود زبونم بی تو غرقه به میان آب و خونم بی تو
در محنت انتظارت ای جان و جهان برخیز و بیا ببین که خونم بی تو»
(رسائل العشاق: ۱۲۵؛ ۶۳ ر)

۸-۱۲. سید عزیز، ۲ بیت:

«... سید عزیز می‌گوید:

بر دل ز وفا نقش کنم نام تو را وز جان به هوا مدد کنم کام تو را
خاکی که رسول تو بر آن پای نهد در دیده کشم حرمت پیغام تو را»
(رسائل العشاق: ۵۵؛ ۲۸ ر)

۸-۱۳. سیفی، جمعاً: ۳۱ بیت:

«... شعر^{۱۶}:

ای از سخا و جود شده در زمانه فرد چشم زمانه چون تو ندیده است زامرد
یابند شاعران ز ثنای تو دستگاه دارند زایران ز سخای تو پیش‌خورد^{۱۷}
از بوستان خاطر من نوگلی شکفت کز رشک او به باغ گل سرخ گشت زرد
جُستم به مجلس تو بدین گل وسیلتی کز همت تو دولت من داشت پایمرد
فردی تو در بزرگی و فرد است این کتاب آن خوب‌تر بود که شود فرد جفت فرد
بکر است این کتاب و تویی مرد در جهان دانی که بکر را نتوان داد جز به مرد
زین سان نگارخانه نکرده است هیچ کس کز عقل و فضل دارد شنگرف و لاژورد
نی رنگ او خَلَق شود از گشت روزگار نی نقش او تبه شود از چرخ تیزگرد

چون صدر او شده است مزین به نام تو
تا ورد و خار باشد در باغ و راغ، باد

«... سیفی گوید:

اندیشه ما نبرد خواهی
باری ز سر نفاق می گو

«... سیفی گوید:

چند از این عاشقی و تنهایی؟
که تواند کشید در عالم؟
بی دلم، بار غم چگونه کشم؟

«... سیفی گوید:

غم خوردم ای نگار بسی در فراق تو

«... سیفی گوید؛ نظم:

ماه رویا گرم اندر کار تو سردی مکن

«... سیفی گوید:

نی ز چون تو دلبری دل بر توانم داشتن

«... سیفی گوید، رَجْمَةُ اللَّهِ:

آراسته هرگه که به بازار درآیی
زیرا که تو را زود رسد چشم نگارا

از حادثه بر او نتواند نشست گرد
قسم عدوت خار و نصیب دل تو ورد»
(رسائل العشاق: ۱۵؛ ۸ ر)

هرچند همی بیازماییم
کاندیشه مبر که ما توراییم»
(رسائل العشاق: ۳۸ و ۳۹؛ ۱۹ پ-۲۰ ر)

نیستم بیش از این شکیبایی
محنت عاشقی به تنهایی
ناتوان چون کند توانایی؟»
(رسائل العشاق: ۴۰؛ ۲۰ پ)

و اکنون چنان شدم که مرا غم همی خورد»
(رسائل العشاق: ۴۹؛ ۲۵ ر)

چون شدم افتاده تو بیش از این مردی مکن»
(رسائل العشاق: ۶۵؛ ۳۳ ر)

نه دل خود را توانم در غمت بگذاشتن»
(رسائل العشاق: ۷۱؛ ۳۶ ر)

دانی که روا نیست به رویت نگریدن
و افسوس بود روی تو را چشم رسیدن»
(رسائل العشاق: ۸۱؛ ۴۱ ر)

«... سیفی گفته است؛ نظم:

نومید نیستم که در غیب کارهاست
ما را به هم رساند آخر خدای ما»
(رسائل العشاق: ۱۲۰؛ ۶۰ پ)

«... سیفی گوید:

با دل خود می‌کنم شمار وصال
عاشق مسکین جز این شمار نگیرد»
(رسائل العشاق: ۱۲۳؛ ۶۲ ر)

«... سیفی گوید؛ نظم:

کنی وعده به شب هر روز چون آیم به شب گویی
که من خورشیدم و خورشید در شب روی نماید»
(رسائل العشاق: ۱۳۰؛ ۶۵ پ)

«... سیفی گوید؛ نظم:

من از عشقت چه پرهیزم که عشقت با قضا ماند
بدان‌گه چیره‌تر باشد که از وی بیش پرهیزم
همی کوشم که بگریزم ولیکن کی بود ممکن
که بگریخت از قضا هرگز که تا من نیز بگریزم؟»
(رسائل العشاق: ۲۱۱؛ ۱۰۶ ر)

«... سیفی گوید:

گرچه یار از من تبرّا می‌کند
جان وصال او تقاضا می‌کند
ورچه نگشاید همی نقدی از او
جان وصال او تقاضا می‌کند»
(رسائل العشاق: ۲۱۵ و ۲۱۶؛ ۱۰۸ ر-۱۰۸ پ)

«... سیفی گوید:

مرا تو گویی شو مهر دیگری بگزین
اگر چو تو دگری یابمی چنین کنمی»
(رسائل العشاق: ۲۴۴؛ ۱۲۲ پ)

«... سیفی گفته است؛ غزل:

ای خداوند روزگار عزیز
خوار کرده است روزگار مرا
بنده‌توست روزگار بگو
تا ندارد به خیره خوار مرا
ور ز من او شکایتی دارد
به دگر بنده‌ای سپار مرا»
(رسائل العشاق: ۲۷۸؛ ۱۳۹ پ)

۸-۱۴. ظفر همدانی، ۲ بیت:

«... ظفر همدانی گوید:

صعب‌تر زین کجا بود دردی؟ بر دل هر زنی و هر مردی
کز [در] دوست دور باید بود به ضرورت صبور باید بود»
(رسائل العشاق: ۸۷؛ ۴۴ ر)

۸-۱۵. عزالدین سعد اللاتهرانی، ۲ بیت:

«... عزالدین سعد اللاتهرانی^{۱۸} گوید؛ رباعی:

حیف است عظیم کان مَلک سیرت یار با دیو بود همیشه او را سر و کار
مسکین دل آگینه در صحت سنگ حیران تن نازک گل از زحمت خار»
(رسائل العشاق: ۲۱۹؛ ۱۱۰ ر)

۸-۱۶. علایی، ۲ بیت:

«... علایی گوید:

خوردم می وصل اگر خمارم نکند خون دل و دیده در کنارم نکند
کردم طرب و نشاط یکچند ز عمر خوش رفت اگر چرخ شمارم نکند»
(رسائل العشاق: ۱۴۴؛ ۷۲ پ)

۸-۱۷. علی بن الحسن (علی الحسن)، جمعاً ۳ بیت:

«... علی بن الحسن گوید:

نادیده هنوز رویت ای چشمه نوش بستد صفت جمالت از من دل و هوش
جانا صفت چنان خوش آمد در گوش یارب که عیانت چون بود در آغوش؟»
(رسائل العشاق: ۲۸؛ ۱۴ پ)

«... علی الحسن گوید:

جاننا به رسول بر تو دادم سوگند
کز پای رسول خویش برداری بند»
(رسائل العشاق: ۵۵؛ ۲۸ ر)

۸-۱۸. علی زندنیجی، جمعاً ۲۹ بیت:

«... علی زندنیجی می‌گوید: نظم:

ای در اصناف مکرمات محمود
تویی ابداع حسن را مأوی
حسن تو با ضیای خور مقبول
احتشامت صدور را مغبوط
تا بود مهر را طلوع و غروب
ز ارتفاعات هر دو باد تو را
نکبت هر دو آن زده آتشش
و ای در اسباب مَحَمَدَتِ مجهود
تویی ارباب عیش را مقصود
نور مه پیش حسن تو مردود
اقتدارت بُدور را محسود
تا بود ماه را هیوط و صعود
بخت پیروز و طالع مسعود
در نهاد حسود و جان حَقود»
(رسائل العشاق: ۲۱؛ ۱۱ ر)

«... علی زندنیجی گوید: غزل:

آتش عشق آمد و آبم ببرد
صییت و صفات صنم آزی
ستر و سدادم همه بر باد داد
لعل صفت رنگ رخم زرد کرد
باد نیاورده به من زو نسیم
چاره چه سازم که غم آن پری
خاک درش باید بود ارنه جان
درد و غم آمد خور و خوابم ببرد
صحت و اصلاح و نصایم ببرد
منفعت از رای صوابم ببرد
وز بر مخلوق اجابم ببرد
قهقهر غمش رونق و آبم ببرد
دیو صفت از تگوتابم ببرد
هم ببرد چون دل شایم ببرد»
(رسائل العشاق: ۲۲ و ۲۳؛ ۱۱ پ-۱۲ ر)

«... علی زندنیجی گوید، رَجْمَةُ اللَّهِ:

ای جمال تو رشک حورالعین
 زده بر بام گنبد گردان
 سعد کیوان تیز^{۱۹} با صولت
 همه احکام زاوش^{۲۰} قاضی
 خیل جلاد اختران، بهرام
 سیر خورشید، شهبوار فلک
 حُسن ناهید، رام رامشگر
 با قصاید همیشه تیر دیبر
 آتش تیز در تنور ائیر
 چون بدادند در ازل نعمت
 مالک عصر را به دست رضا
 بنده را کرده اقتدار قدر
 ورد بنده به شکر این نعمت

اعتصام حق التجای تو باد
 با هزاران لطف لَوای تو باد
 به سعادت رهنمای تو باد
 طالب وفق اقتضای تو باد
 پاسبان در سرای تو باد
 ساکن رایت هوای تو باد
 در خم زلف مشکسای تو باد
 چاکر صدر متکای تو باد
 از نهیب عدوگزی تو باد
 تا ابد مدت بقای تو باد
 سر کشیده به زیر پای تو باد
 بردل و جان و دیده جای تو باد
 در صباح و مسادعای تو باد»
 (رسائل العشاق: ۳۱ و ۳۲؛ ۱۶-۱۶ پ)

«... علی زندنیجی گوید؛ رباعی:

آن سرو سمن سینه و آن ورد طبری
 دردا که شکار زاغ شد باز سپید

با خار مگیلان ز قضا شد قدری
 عیبا که به دام غول افتاد پری»
 (رسائل العشاق: ۲۱۹؛ ۱۱۰ ر)

۸-۱۹. عمرالبرهانی، بیت:

«... عمرالبرهانی گوید:

کوتاه مکن رقعہ که اندوه دلم

کوتاه ز رقعۀ دراز تو شود»
 (رسائل العشاق: ۵۳؛ ۲۷ ر)

۸-۲۰. عیاضی، جمعاً ۸ بیت:

«... حکیم عیاضی؛ نظم:

شیرین‌زبان و تلخ‌جواب است یار من
تلخم دهد جواب و خوش آید مرا به گوش

گفتار او ز تلخ و ز شیرین نشان دهد
آری جواب تلخ به شیرین‌زبان دهد»

(رسائل العشاق: ۵۷؛ ۲۹ ر)

«... عیاضی گوید؛ نظم:

ایا کشنده که من ضربت تو را سپرم
گرت به ریختن خون من هواست بریز

بکش مرا و بیفکن به خاک و برسپرم
چه خون تو ریزی چه دیده ریزد از جگرم»

(رسائل العشاق: ۷۶؛ ۳۸ پ)

«... عیاضی گوید:

وصل تو فزون شد و فراق تو بکاست
مهری که تو را ز عاشق اندر دل خاست

شد کار کژ رهی به دیدار تو راست
عاشق به دعای شب نیارستی خواست»

(رسائل العشاق: ۱۵۹؛ ۸۰ ر)

«... عیاضی گوید:

با کم از خویشتن مباش قرین
مشک با خاک چون برآمیزی

تا تو زو کم نگردی او ز تو بیش
داده باشد به خاک قیمت خویش»

(رسائل العشاق: ۲۳۳؛ ۱۱۷ ر)

۸-۲۱. قوامی، ۲ بیت:

«... قوامی گوید:

به عشق اندر ز خَلقم یاوری نیست
شود روزی مرا سر در سر عشق

مسلمانی ست آخر کافری نیست
که کار عشق کار سرسری نیست»

(رسائل العشاق: ۸۹-۹۰؛ ۴۵-۴۵ پ)

۸-۲۲. لیبی، بیت ۲:

«... لیبی گفته است:

گر ز بدگوی تو سخن شنوی
گر بدان بد نبود ای راضی

بر تو تهمت نهم ز روی خرد
پیشست او مرا نگفتی بد»
(رسائل العشاق: ۲۲۶؛ ۱۱۳ پ)

۸-۲۳. لولوبی، جمعاً ۳ بیت:

«... لولوبی گفت:

مسکین دل من که دیده را دادی پند
دل را ستم دیده بدین روز افکنند

آخر ز بالای دیده افتاد به بند
یارب ستم دیده بر این دل میسند»
(رسائل العشاق: ۳۷؛ ۱۹ ر)

«... لولوبی گوید؛ نظم:

در عشق امید خوش دلی کم باشد

دل منتظر زخم دمادم باشد»
(رسائل العشاق: ۱۰۸؛ ۵۴ پ)

۸-۲۴. مرادی، بیت ۲:

«... حکیم مرادی می گوید؛ رباعی:

نادیده تو را و نارسیده بر تو
ای جان و جهان اگر نداری سر من

گشته است شب و روز دلم غم خور تو
بیم است که جان من شود در سر تو»
(رسائل العشاق: ۲۶؛ ۱۳ پ)

۸-۲۵. منوچهر، ۱ بیت:

«... منوچهر^{۲۱} گوید:

به اول چنان بود و آخر چنین

فَلَلَّهِ حَمْدٌ عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ»
(رسائل العشاق: ۱۱۳؛ ۵۷ ر)

۸-۲۶. نظامی سامانی، ۱ بیت:

«... نظامی سامانی گوید:

هر زمان گویی که دل در بار دیگر یار نه

پادشاهی کرده باشم، پاسبانی چون کنم؟»^{۲۲}

(رسائل‌العشاق: ۲۴۴؛ ۱۲۲ پ)

۸-۲۷. واعظی، ۱ بیت:

«... واعظی گوید رَجَمَهُ اللَّهُ؛ نظم:

من به تنهایی در زاویه عشق مقیم

یاد تو ثقلم و ساقی غم و هجرانت شراب»

(رسائل‌العشاق: ۴۰؛ ۲۰ پ)

۹. اشعار نویافته گویندگانی که دیوان یا منظومه دارند

۹-۱. انوری، ۱ بیت:

«... غزل:

... در خون دل خویش تو را جای گزیدم

چون خون دل از دیده بیالود برفتی»^{۲۳}

(رسائل‌العشاق: ۳۷۰؛ ۱۸۵ پ)

۹-۲. سنایی، ۱ بیت:

«... در فخری‌نامه هم‌چنین بیتی از جمله ابیات سنایی آورده است؛ نظم:

نبود گنج در جهان بی‌رنج

زانکه مار است خفته بر سر گنج»^{۲۴}

(رسائل‌العشاق: ۲۱۹؛ ۱۱۰ ر)

۹-۳. عمادی، ۵ بیت:

«... ملک‌الافاضل، عمادی غزنوی گوید؛ شعر:

ندانم دوش مؤزن را چه افتاد

که زو تا روز بر من بود بیداد

چو بی‌هنگام فریادی برآورد
 پر از غلغل شد از آواز او شهر
 به بستر در نه مه دیدم نه پروین
 اگر ما را سحرگه تنگدل کرد

مرا آورد فریادش به فریاد
 مرا بگذاشت آن ماه پری‌زاد
 به بالین بر نه گل دیدم نه شمشاد
 همه روز و همه شب تنگدل باد»
 (رسائل العشاق: ۲۸۳؛ ۱۴۲ ر)

۹-۴. عمیق، ۱ بیت:

«... عمیق گوید:

بلی دیو زشت است، لیکن نه چونان

که او را به دیوار بینی مصوّر»
 (رسائل العشاق: ۲۲۷؛ ۱۱۴ ر)

۹-۵. فخری گرگانی، جمعاً ۸ بیت:

«... فخری گرگانی در قصه ویس و رامین می‌گوید:

که تا از تو جدایم ای دل‌افروز

نه روز از شب شناسم نه شب از روز»^{۲۵}
 (رسائل العشاق: ۲۲؛ ۱۱ پ)

«... نظم:

... هوای دل چنین بسیار کرده است

بسا جان عزیزان خوار کرده است»^{۲۶}
 (رسائل العشاق: ۸۸؛ ۴۴ پ)

«... فخری گوید:

... همی‌گویم کنون نالان و گریان

پش‌یمانم پش‌یمانم پش‌یمان»^{۲۷}
 (رسائل العشاق: ۱۹۸؛ ۹۹ پ)

«... در ویس و رامین فخری گفته است؛ نظم:

... ز سر گیریم عشق و مهربانی

که بس خرم بود این زندگانی»^{۲۸}
 (رسائل العشاق: ۲۰۲؛ ۱۰۱ پ)

«... فخری گوید؛ مثنوی:

... چنین بوده است دائم گردش چرخ
دگرگون یابد از وی هر کسی برخ»
(رسائل العشاق: ۲۱۷؛ ۱۰۹ ر)

«... فخری گوید:

... مرا چون تو شکاری مانده در دست
به تن جان چون توایم دادن از دست»
(رسائل العشاق: ۲۳۱؛ ۱۱۶ ر)

«... چرا کردی مرا چونین فراموش
که تا گشتم ز غم بی‌صبر و مدهوش»^{۲۹}

(رسائل العشاق: ۲۹۷؛ ۱۴۹ ر)

«... فخری گوید؛ مثنوی:

ز ماهی در محاق مهر مانده
زمانه نامه عززش بخوانده»
(رسائل العشاق: ۳۷۵؛ ۱۸۸ ر)

۹-۶. فرخی، جمعاً ۳ بیت:

«... فخری گوید؛ رباعی:

مسکین دل من تو را نه زان می‌پرورد
چون دل ز وفای من همی کردی فرد
تا از تو نباشدش جز^{۳۰} از محنت و درد
باری چو منی به دست بایست آورد»
(رسائل العشاق: ۱۷۴؛ ۸۷ پ)

«... فرخی گوید؛ نظم:

یار چو تو باید و عاشق چو من
نیست چو ما در همه گیتی دو تن»^{۳۱}
(رسائل العشاق: ۲۳۶؛ ۱۱۸ پ)

۹-۷. لامعی گرگانی، ۱ بیت:

«... در غزلی یک بیت لامعی گرگانی گفت:

گردان شود هرآینه از آب چشم من
گر روزگار بر رخ من آسیا نهد»
(رسائل العشاق: ۲۶؛ ۱۳ پ)

۸-۹. ماهستی دبیر، بیت ۲:

«... ماهستی دبیر گفته است:

تا خسته‌دلیم به عشقت اندر پیوست
چندانکه تو خواهی ز تو نومیدی هست

دانی که همه فضول بنهاد ز دست
خود را به رسن بر تو همی نتوان بست»

(رسائل العشاق: ۱۱۴ و ۱۱۵؛ ۵۷ پ-۵۸ ر)

۹-۹. معزی، بیت ۱:

«... نظم:

قلاش وار خیره چه گردی به گرد شهر
جایی فرونشین و به هر جای درمشو»^{۳۲}

(رسائل العشاق: ۱۸۵؛ ۹۳ ر)

۱۰. نتیجه‌گیری

ضمن تحقیق در مآخذ حدود ۱۵۰۰ بیت دست‌نویس رسائل العشاق و وسائل المشائق، ۲۰۳ بیت نویافته در این نسخه یافت شد که از این جمله، ۲۷ بیت آن در دیگر مقاله‌ها معرفی شده بودند و ۱۷۶ بیت باقی‌مانده در مقاله حاضر معرفی شدند. از میان این ۱۷۶ بیت، ۱۵۴ بیت به شاعران بی‌دیوان و ۲۲ بیت به شاعرانی که دیوان یا منظومه مستقل دارند منسوب است. در میان گویندگانی که اشعار آن‌ها در مقاله حاضر به عنوان نویافته معرفی شدند، تعداد ابیات منسوب به «باخرزی»، «ابن طلحه»، «علی زندنجی» و «سیفی» بیش از سایرین است. همچنین راجع به سه گوینده اخیر باید گفت که دست‌نویس رسائل العشاق یکی از منابع اصلی اشعار این شاعران است و احتمال دارد تنها منبع اشعار «علی زندنجی» باشد. نکته قابل توجه دیگر، انتساب یک رباعی به «فخری» است که با توجه به قرائن دست‌نویس رسائل العشاق و بر مبنای توضیحاتی که ذیل «خلط فخری با فرخی» آمد، این رباعی به عنوان نویافته‌ای از فرخی سیستانی معرفی شد. همچنین یک بیت به گویش محلی از «بندار رازی» معرفی شد که در پژوهش‌های مربوط به گویش‌های محلی قدیم مغتنام است. در مورد ارزش کلی این پژوهش نیز باید گفت تصحیح و معرفی ابیات نویافته - خصوصاً در مورد شاعران بی‌دیوان - آن هم از یک نسخه کهن، در مطالعات سبک‌شناسی، زبان‌شناسی و گاه تاریخی ارزشمند هستند. شعرهای نویافته اغلب بر اساس یک دست‌نویس ارائه می‌شوند و با توجه به این نکته، خطای کاتب یا سلسله کاتبان در دخل و تصرف ابیات یا انتساب نادرست اشعار به گویندگان را نیز نباید از نظر دور داشت.

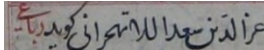
سپاسگزاری

این مقاله یکی از دست‌آوردهای پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «مأخذیابی و تصحیح اشعار رسائل العشاق و وسائل المشتاق» است. دفاع از پایان‌نامه مذکور در شهریور ۱۴۰۲، در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران انجام شده است. لذا بر خود لازم می‌دانم از استادان راهنما و مشاور این پایان‌نامه، دکتر وحید عیدگاه طرهبهی و دکتر جواد بشری تشکر و قدردانی کنم. نیز در این مجال از استاد گرامی، سید علی میرافضلی، سپاسگزاری می‌کنم؛ اشارات ارزشمند ایشان در انجام پایان‌نامه مذکور فراموش‌نشده است. البته گفتنی است که نقاط ضعف و خطاهای احتمالی این مقاله، متوجه نگارنده آن است.

پی‌نوشت

۱. «مأخذیابی و تصحیح اشعار رسائل العشاق و وسائل المشتاق» عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده در دانشگاه تهران است. نک. عشایری، ۱۴۰۲.
۲. تصحیح از دیوان معزی نیشابوری.
۳. روضة‌الناظر (گ ۱۵۵ ر): برای آنک تو مجموع عالمی و هنوز، روضة‌الناظر (گ ۱۸۲ پ): ازان سبب کی تو یک عالمی نه یک خلقی
۴. روضة‌الناظر (گ ۱۵۵ ر): زمان و
۵. این رباعی در دو رساله در اخلاق، ص ۲۳۴ بدون نام‌گوینده مضبوط است.
۶. (?)
۷. این بیت در هزار حکایت صوفیان (۱۳۸۹) ص ۱۹۴ و ص ۶۹۳ بدون نام‌گوینده آمده.
۸. این بیت در کشف‌الاسرار، ج ۱، ص ۳۸۶ بدون نام‌گوینده آمده. بیت دیگری نیز به همراه این بیت در رسائل العشاق ثبت است که به عنوان ابیات نوبافته معرفی شده است.
۹. می‌تواند «نیایی» نیز تصحیح شود اما با توجه به اینکه در نسخه کاتب «پ» را «ب» کتابت می‌کند نه «ی»، همان «نیایی» تصحیح شده است.
۱۰. اصل: خون
۱۱. به دلیل جابه‌جایی دو برگ در شیرازه‌بندی و صحافی نسخه، بیت اول و دوم این رباعی به صورت پیاپی نیامده و همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیت اول در پایان برگ ۷۲ پ، و بیت دوم در تارک برگ ۷۵ ر، ثبت است.
۱۲. در اصل با فای عجمی (ف) مکتوب است.
۱۳. اصل: با
۱۴. در اصل بدون نقطه‌های «ی».
۱۵. اصل: گویند

۱۶. پیش از این ابیات، نام گوینده نیامده اما اثر مؤلف است چراکه در ضمن این قصیده کوتاه، کتاب را به ممدوح تقدیم کرده است.
 ۱۷. اصل: بیش خورد. تصحیح به قیاس متون دیگر که این واژه در آن‌ها آمده است: دیوان جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی، صفحه ۱۵۴: «ای سخا را از کف تو پیش خورد»، نفثة‌المصدر، صفحه ۶۱: «خلالات ثغور از بن دندان گرسنگان برکنند و به پیش خورد سگان تاتار... دهان بیالود.» و مختارنامه، ص ۲۱۱:
 «دل گرچه ز عمر پیش خوردی دارد می ده که دلم هنوز گردی دارد»

۱۸. کذا فی الاصل: 

۱۹. در اصل بدون نقطه است.

۲۰. اصل: راوش

۲۱. احتمالاً این «منوچهر» همان «شمس‌الدین احمد بن منوچهر شصت‌کله» است که محمدتقی بهار (بهار، ۱۳۱۷) و محمد قزوینی (قزوینی، ۱۳۲۳) از او یاد کرده‌اند.
 ۲۲. بیتی با همین وزن و قافیه در کشف‌الاسرار، ج ۲، ص ۳۲۰ و نیز عیناً در ج ۵، ص ۲۶۱ ثبت است که گمان می‌رود مطلع غزل این بیت بوده باشد. بیت مذکور چنین است:
 بی تو ای آرام جانم زندگانی چون کنم؟
 چون نباشی در کنارم شادمانی چون کنم؟

۲۳. تمام غزل این بیت در رسائل‌العشاق ثبت است. دیوان انوری (تصحیح مدرس رضوی) و دیوان انوری (تصحیح نفیسی) و تصحیح انتقادی غزلیات انوری این بیت را ندارد و جای آن بیتی چنین آمده:

آهنگ به جان من دل سوخته کردی چون در دل من عشق بیفزود برفتی
 (انوری، ۱۳۴۰: ۹۱۵؛ ۱۳۶۴: ۵۵۰)

۲۴. شبیه این بیت در کلیات اشعار سنایی (۱۳۵۶) ص ۱۷۱ چنین:

رنج بردار تا بیابی گنج رنج مار است خفته بر سر گنج

و نیز در حدیقة‌الحقیقة و شریعة‌الطریقة (مدرس رضوی)، ج ۱، ص ۴۷۲ چنین آمده:

رنج بردار تا بیابی خنج رنج مار است خفته بر سر گنج

۲۵. باباطاهر یک دوبیتی دارد که مصرع دوم این بیت در آن آمده و چنین است:

جدا از رویت ای ماه دل‌افروز نه روز از شو شناسم نه شو از روز
 وصال گر مرا گردد میسر بود هر روز من چون عید نوروز
 (باباطاهر: ۱۳۶۷، ۹۷)

۲۶. این بیت نام گوینده ندارد و قرینه ما برای انتسابش به فخری گرگانی، بیتی است که در رسائل‌العشاق به همراه آن آمده و در ویس و رامین مضبوط است:

به عشق اندر چنین بسیار باشد همیشه مرد عاشق خوار باشد

(گرگانی، ۱۳۴۹: ۲۳۳)

۲۷. ویس و رامین این بیت را ندارد اما بیتی که مصرع دومش با این بیت مشترک است در رسائل العشاق به نام فخری چنین آمده:

گهی گویم چو جویم از تو درمان پشیمانم پشیمانم پشیمان

(رسائل العشاق: ۱۹۱: ۹۶ ر)

در ویس و رامین نیز با اختلاف «جویم» به «خواهم» ثبت است. (گرگانی، ۱۳۴۹: ۴۲۲)

۲۸. ویس و رامین این بیت را ندارد. دو بیت پیشین این بیت در ویس و رامین، ص ۴۸۰ ثبت است.

۲۹. نام گوینده این بیت ذکر نشده اما با چهار بیت دیگر از منظومه ویس و رامین (گرگانی، ۱۳۴۹: ۳۹۹ و ۴۰۰) که پیش از این بیت آمده در رسائل العشاق ثبت است. این پنج بیت در یک جدول شعری و هم‌وزن هستند نیز مفهوم بیت و سیر آن با ابیات پیشین تناسب معنایی تام دارد.

۳۰. اصل: بجز

۳۱. بیت دوم این شعر ذیل «اشعاری که نام گوینده‌شان مشخص شد» در مقاله حاضر مندرج است.

۳۲. این بیت در رسائل العشاق بدون نام گوینده ثبت است اما قرینه استوار برای انتسابش به معزی بیتی است که پس از آن آمده و در دیوان معزی نیشابوری نیز مضبوط است:

یارت منم به عالم و جای دل من است یاری دگر مگیر و به جای دگر مشو

(معزی نیشابوری، ۱۳۱۸: ۷۸۴)

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، تهران: سخن.
- انوری، علی بن احمد (۱۳۳۷-۱۳۴۰)، دیوان، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، ج ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- انوری، علی بن احمد (۱۳۶۴) دیوان، به کوشش سعید نفیسی، تهران: سکه-پیروز.
- اوحدالدین کرمانی، حامد (۱۳۶۶) دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، به کوشش احمد ابومحبوب، با مقدمه‌ای از محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: سروش.
- باباطاهر (۱۳۶۷)، دیوان اشعار باباطاهر، تصحیح زین‌العابدین آذرخش، تهران: اقبال.
- بشری، جواد (۱۳۹۸) «برخی ابیات فارسی از سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری در چند مأخذ کهن»، کهن‌نامه ادب پارسی، س ۱۰، ش ۱، ص ۱۲۳ تا ۱۴۶.
- بهار، محمدتقی (۱۳۱۷)، «شمس‌الدین احمد بن منوچهر شصت‌کله»، مهر، سال ششم، شماره ۵، ص ۳۴۷ تا ۳۵۳.
- جهانپخش، جویا (۱۳۹۹) «فردوسی در رسائل العشاق»، آینه پژوهش، س ۳۱، ش ۳، ص ۲۵۳ تا ۲۶۵.
- دهخدا، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۷۷) لغت‌نامه، ج ۱۶، تهران: دانشگاه تهران.
- ذبیحی، رحمان (۱۳۹۸) «اشعار نوبافته از انوری»، نامه فرهنگستان، دوره هفدهم، شماره سوم (پیاپی ۶۷)، ص ۹۳ تا ۱۰۸.
- ربیعی، سمیه (۱۳۹۱) «سیفی نیشابوری» دانش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، ج ۴، ص ۷۵ و ۷۶، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رضایی، احترام و سکینه غلام‌پور دهکی (۱۴۰۱) «معرفی رسائل العشاق و بررسی شیوه سیفی نیشابوری در آداب کتابت و انشای

- نامه‌های عاشقانه فارسی در سده ششم هجری»، متن‌شناسی ادب فارسی، س ۱۴، ش ۳ (پیاپی ۵۵)، ص ۱۱۷ تا ۹۹.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدودبن آدم (۱۳۴۸) مثنوی‌های حکیم سنایی، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدودبن آدم (۱۳۵۶) کلیات اشعار حکیم سنایی غزنوی، چاپ عکسی از روی نسخه کهن سال قرن ششم، به کوشش علی اصغر بشیر، کابل: بیهقی.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدودبن آدم (تاریخ مقدمه: ۱۳۲۹) حدیقه الحقیقه و شریعة الطریقه، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، ج ۱، تهران: چاپخانه سپهر.
- سنایی غزنوی، مجدودبن آدم (۱۳۹۷) حدیقه الحقیقه، تصحیح محمدجعفر یاحقی و سید مهدی زرقانی، ج ۱، تهران: سخن.
- سیفی نیشابوری، مسعود بن احمد (۶۸۵) رسائل العشاق و وسائل المشتاق، نسخه خطی، کتابخانه آلمالی ترکیه، ش ۳۰۰۵، به خط حمید السمرقندی، ۱۹۳ برگ.
- سیفی نیشابوری، مسعود بن احمد (۱۳۹۹) رسائل العشاق و وسائل المشتاق، نسخه برگردان به کوشش جواد بشری، تهران: محمود افشار با همکاری سخن.
- شروانی، جمال خلیل (۱۳۷۵) زهه‌المجالس، به تصحیح و تحقیق محمدامین ریاحی، تهران: علمی.
- شریفی صحی، محسن و مهدخت پورخالقی چترودی (۱۳۹۱) «اشعار نویافته از انوری در نسخه‌ای کهن»، جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق) س ۴۵، ش ۱۷۹، ص ۱۹-۴۳.
- شیکری، همایون (۱۴۰۱) «شعرهایی نویافته از امیر معزی»، شعرپژوهی دانشگاه شیراز، س ۱۴، ش اول، پیاپی ۵۱، ص ۳۴۱-۳۵۴.
- شیکری، همایون (۱۳۹۹) «رفع چند سوءتفاهم درباره سیفی نیشابوری»، گزارش میراث، د ۳، س ۵، ش ۲۰۱، ص ۱۳۶ تا ۱۴۰.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹) تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، تهران: فردوس.
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۵) اشعار فارسی پراکنده در متون، ج ۲، تهران: محمود افشار با همکاری سخن.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۴۱) دو رساله در اخلاق: ۱- مکارم اخلاق از رضی‌الدین نیشابوری ۲- گشایش نامه منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران.
- عبدالعزیز کاشی (سده ۸ هـ.ق) روضة الناظر و زهه‌الخاطر، نسخه خطی، کتابخانه دانشگاه استانبول، ش Univ.F.766، ۳۰۴ برگ؛ کتابخانه دانشگاه تهران، فیلم ش ۲۴۷.
- عشایری، علی (۱۴۰۲) «مأخذیابی و تصحیح اشعار رسائل العشاق و وسائل المشتاق»، به راهنمایی وحید عیدگاه طریقه‌ی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- علی‌حوری، محبوبه و محمدجعفر یاحقی (۱۳۸۹) «ابیات نویافته منسوب به سنایی»، جستارهای ادبی (ادبیات و علوم انسانی سابق) س ۴۳، ش ۳، ص ۱۷۰، ص ۲۶ تا ۱.
- عمادی شهریار (۱۳۸۱) دیوان، تصحیح ذبیح‌الله حبیبی‌نژاد، تهران: طایه.
- عمق بخاری (۱۳۳۹) دیوان، تصحیح و جمع‌آوری سعید نفیسی، تهران: کتابفروشی فروغی.
- عوفی، محمد (۱۳۳۵) لباب الالباب، با تصحیحات جدید و حواشی و تعلیقات کامل سعید نفیسی، تهران: ابن سینا - علمی.

- فرخی سیستانی (۱۳۴۹) دیوان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: زوار.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶) شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، ج ۸، (همکاران جلد‌های ۶ و ۷ به ترتیب محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی)، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- قزوینی، محمد (۱۳۲۳)، «شعرای گمنام»، یادگار مهر، شماره ۲، ص ۵۴ تا ۷۰.
- قزوینی، محمد (۱۳۶۳) بیستمقاله قزوینی، به کوشش عباس اقبال و ابراهیم پورداود، تهران: دنیای کتاب.
- گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۴۹) ویس و رامین، تصحیح ماگالی تودوا- الکساندر گواخاریا، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- گنجوی، مهستی (۱۹۸۵) رباعیات مهستی گنجوی، ترتیب‌دهنده و مقدمه رفائیل حسینوف، زیر نظر محمد آقا سلطان‌زاده، باکو: یازیچی
- لازار، ژیلبر (۱۳۶۱) اشعار پراکنده قدیمی‌ترین شعرای فارسی‌زبان، تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- لامعی گرگانی (۲۵۳۵) دیوان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: اشرفی.
- مدبری، محمود (۱۳۷۰) شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان، تهران: پانوس.
- معزی نیشابوری، محمد بن عبدالملک (۱۳۱۸) دیوان، به سعی و اهتمام عباس اقبال، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- منصور، محمد و اسماعیل شמושکی (۱۳۹۴) «ابیاتی نوبافته از لامعی گرگانی»، ادب فارسی، س ۵، ش ۲ (پیاپی ۱۶)، ص ۵۶ تا ۳۹.
- موحدی، مسعود (۱۳۹۹) «تصحیح انتقادی غزلیات انوری ابیوردی بر اساس کهن‌ترین نسخ تا پایان قرن نهم»، به راهنمایی علیرضا امامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۳۶-۱۳۴۲) کلیات شمس یا دیوان کبیر، با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزان‌فر، ج ۸، تهران: دانشگاه تهران.
- نظامی عروضی، احمد بن عمر (۱۳۹۶) چهارمقاله، تصحیح و تحشیة علامه محمد قزوینی، با مقدمه عبدالکریم جربزه‌دار، تهران: اساطیر.
- نورایی، الیاس و سهیل یاری گل‌دزه (۱۳۹۴) «تحقیق در اشعار پراکنده ابوالمعالی نحاس رازی»، آینه میراث، د ۱۳، ش ۵۶، ص ۳۱۳-۳۲۸.
- هزار حکایت صوفیان (۱۳۸۹) تصحیح حامد خانمی‌پور، ج ۱، تهران: سخن.
- یاری گل‌دزه، سهیل و طاهره چهری (۱۳۹۲) «بررسی اشعار نوبافته عمادی»، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره جدید، ش ۳ (پیاپی ۱۹)، ص ۱۱۱ تا ۱۲۴.